

لوح مریم ۲

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



لوح مریم (۲) - حضرت بهاءالله



مریما عیسی جان بلامکان عروج نمود قفس وجود از طیر محمود خالی ماند و بلبل قدم بصحرای عدم رو نمود و عندلیب الهی بر سدره ربّانی بخروش آمد سرادق عزّت بر درید و همای رفعت از شاخسار بهجت برپرید افلاکهای بلند بر خاک تیره بنشست و نعره‌ها از دل پر درد برخاست آب گوارا بخون تبدیل شد و صحن فردوس برین بخون آمیخته بلی تیر قضای الهی را سینه منیر دوستان لایق و کنند بلای نامتناهی را گردن عاشقان شائق هر کجا خدنگی است بر صدر احباب وارد آید و هر جا غمی است بر دل اصحاب نازل گردد عاشقان را چشم تر باید و معشوقان را ناز و کرشمه شاید حبیب اگر صد ناله سراید محبوب بر جفا بیفزاید اگر شربت وصال خواهی تن بزوال در ده و اگر نمر جمال طلبی در وادی حرمان پانه مریما حزن را بسرور بچش و غم را از جام فرح درکش اگر خواهی قدم در کوی طلب گذاری صابر باش و رخ را مخراش و آب از دیده میاش و از بی صبران مباش پیراهن تسلیم پوش و از باده رضا بنوش و عالی را بدرهمی بفروش دل بقضا در بند و بحکم قدر پیوند چشم عبرت بر گشا و از غیر دوست درپوش که عنقریب در محضر قدس حلقه زنیم و بحضرت انس رو آریم و از بریط عراق نغمه حجازی بشنویم و با دوست ملحق شویم ناگفتنی بگوئیم و نادیدنی به بینیم و ناشنیدنی بشنویم و باهنگ نور هیکل روح را برقص آوریم و در حریم جان بزم خوشی بیارائیم و از ساقی جلال ساغر جمال برگیریم و بیاد رخ ذوالجلال نمر بیثال در نوشیم چشم را از آب پاک کن و دل را از حزن بروب و قلب را از غم فارغ نما و باهنگ ملیح بر خوان

گردن نهادیم الحکم لله گر تیغ بارد در کوی آن ماه



ORIGINAL



AUDIO